

پرسش ۶۳: عالم ذر در آیهی (و آن گاه که پروردگار تو از بنی آدم)

سؤال / ۶۳: قال تعالى: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) ([343]).

پرسش ۶۳: حق تعالی می فرماید: (و آن گاه که پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری. گواهی می دهیم تا در روز قیامت نگویید ما از آن بی خبر بودیم) ([344]).

هل أنّ عالم الذر هو عالم حقيقي موجود بالفعل، وأين وجوده؟ فالشيخ الصدوق يقول إنه موجود، والشيخ المفيد رحمه الله يقول في تصحيح الاعتقاد ما معناه: لو كان عالم الذر موجوداً لما نسيناه أو لتذكرنا بعضه.

آیا عالم ذر یک عالم حقیقی است و در حال حاضر موجود می باشد و این عالم کجا است؟ شیخ صدوق می گوید وجود دارد ولی شیخ مفید (رحمت الله علیه) در تصحیح الاعتقاد سخنی با این مضمون دارد که اگر عالم ذر وجود داشت، آن را فراموش نمی کردیم یا بخشی از آن را به خاطر می آوردیم.

الجواب: عالم الذر عالم حقيقي وليس وهمياً ولا افتراضياً، وإنما نسيه الغافلون والمتغافلون، ولم ينسه الأنبياء والمرسلون والأوصياء، بل هم يتذكرونه ويعرفونه ويعرفون أولياءهم فيه ويميزونهم في هذه الحياة الدنيا، فعلي بن أبي طالب (ع) سيد الأوصياء يقول ما معناه: (إني لا أعرفك) لمن قال له: أني من شيعتك ([345]).

پاسخ:

عالم ذریک عالم حقیقی است و عالمی توهمی یا فرضی نمی‌باشد، و فقط غافلان و کسانی که خود را به غفلت زده‌اند آن را فراموش کرده‌اند. انبیا، فرستادگان و اوصیا(ع) آن را از یاد نبرده‌اند، بلکه آن را به خاطر می‌آورند و می‌شناسند و دوستان خود را در آن می‌شناسند و آن‌ها را در این دنیا تشخیص می‌دهند. به عنوان مثال، علی بن ابی طالب(ع) سرور اوصیا خطاب به کسی که به او عرض کرد من از شیعیان تو هستم، سخنی با این معنا فرمود: «من تو را نمی‌شناسم».[346]

فَسُبْحَانَ اللَّهِ الشَّيْخِ الْمَفِيدِ رَحْمَةَ اللَّهِ وَأَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيفِ يَقُولُ: (لَوْ كَانَ لِمَا نَسِينَاهُ)، فَهَا أَنْتُمْ تَغْفَلُونَ عَنِ الْمَرَاةِ إِذَا نَظَرْتُمْ إِلَى صُورَتِكُمْ فِيهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ إِذَا كُنْتُمْ تَغْفَلُونَ عَمَّا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَأَمَامَ أَبْصَارِكُمْ فَلَا تَرَوْنَهُ، فَغَفَلْتُمْ عَنِ عَالَمِ الذَّرِّ أَوْلَى وَأَحْجَى.

سبحان الله شیخ مفید که رحمت خدا بر او باد و مقام شریفش را بالاتر ببرد، می‌گوید: «اگر وجود می‌داشت آن را فراموش نمی‌کردیم». در حالی که شما وقتی به چهره‌ی خود در آینه نظر می‌افکنید، از آینه غافل می‌شوید. سبحان الله که اگر شما نسبت به خیلی چیزها که در پیش‌رو شما است غفلت می‌ورزید و چیزهایی که جلوی دیدگان‌تان هستند را نمی‌بینید، غفلت شما از عالم ذر اولی و منطقی‌تر خواهد بود.

ثُمَّ إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ بِالْغَوَا فِي الْحَدِيثِ عَنِ هَذَا الْعَالَمِ (347)، فَلَا أَرَى إِنْكَارَهُ إِلَّا عَنِ جَهْلٍ دَاخِلٍ مِنْكَرِيهِ، وَيَا لَيْتَهُمْ أَعْرَضُوا عَنِ الْحَدِيثِ فِيهِ لِمَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِمْ عِلْمَهُ، وَيَا لَيْتَهُمُ التَّفَتُّوا إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: (نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ) (348)، فَإِنَّهَا فِي عَالَمِ الذَّرِّ نَزَلَتْ وَإِيَاهُ عَنَتُ.

به علاوه اهل بیت (ع) در مورد این عالم بسیار سخن گفته‌اند ([349]) و من انکار آن را جز جهلی که منکرانش در آن وارد شده‌اند، نمی‌بینیم. ای کاش وقتی در علم آن دچار شبهه شدند در موردش صحبت نمی‌کردند و ای کاش به این فرموده‌ی خداوند توجه می‌کردند: (آن کسانی که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کنند) ([350])؛ این آیه در مورد عالم ذر نازل شده است و به آن اشاره دارد.

وحقیقة عالم الذر: أنه عالم الأنفس وهو في هذه السماء الدنيا، وتنزل منه إلى الأرض نطف بني آدم، فإذا نمت النطفة بعد أن أخذت طريقها إلى وعائها وتهيأت الصورة الجسمانية لولوج النفس إليها، ولجت النفس في تلك الصورة الجسمانية وتعلقت بالنطفة التي نزلت منها، فإذا مات الإنسان خرجت منه تلك النطفة مرة أخرى من فمه أو من أي مكان آخر مع خروج نفسه من جسمه، وبقيت هذه النطفة متعلقة بالنفس الإنسانية، فالنفس متعلقة بالنطفة والنطفة متعلقة بالنفس وهما من عالم واحد وهو عالم الذر أو عالم الأنفس، فإذا نزلت النطفة إلى الأرض تبعثها النفس، وإذا فارقت النفس الجسم تبعثها النطفة.

حقیقت عالم ذر این است که عالم آنفس است و در آسمان این دنیا قرار دارد. نطفه‌های بنی آدم از آن به زمین نازل می‌شود و اگر این نطفه پس از این که راه و طریق خود را به جایگاهش طی کند، رشد نماید و صورت جسمانی برای تلفیق شدن با نفس مهیا شود، نفس در آن صورت جسمانی تلفیق شده و به آن نطفه‌ای که از آن نازل شده است تعلق می‌یابد. اگر انسان فوت شود به همراه خروج نفس از جسمش آن نطفه دوباره از طریق دهان او یا هر جای دیگر، از او خارج می‌شود. این نطفه همواره وابسته به نفس انسانی خواهد ماند. بنابراین نفس به نطفه و نطفه به نفس وابسته‌اند و هر دو از یک عالم یعنی عالم ذر یا عالم آنفس می‌باشند.

اگر نطفه به زمین نازل شود، نفس دنبال آن می‌آید و اگر نفس از جسد خارج شود نطفه نیز به دنبال آن می‌رود.

وفي هذه الحياة الدنيا إذا أطاع الإنسان ربه وسعى لرضاه سبحانه وكان له حظ في السماوات الملكوتية أصبح من أصحاب اليمين، وكتب من الأحياء، وسطر اسمه في سجل الحياة وممن يرثون الجنان، وإن جد في الطاعة كان من المقربين (أولياء الله) الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون. وإن عصى الإنسان ربه وسعى لسخطه سبحانه وتعالى لم يكن له حظ في السماوات الملكوتية ولم يكتب من الأحياء، بل عد من الأموات، ولم يسطر اسمه في سجل الحياة، وأمسى ممن يردون جهنم، بل هو قطعة من جهنم.

در زندگی این دنیا اگر انسان پروردگارش را اطاعت کند و برای رضای خداوند سبحان سعی و تلاش کند و در آسمان‌های ملکوتی برای خود جایگاهی داشته باشد، از اصحاب یمین خواهد بود و نامش جزو زندگان و اسمش در طومار حیات نوشته خواهد شد و از کسانی خواهد بود که بهشت را به ارث می‌برند. اگر در اطاعت خداوند جدیت داشته باشد از مقربین و (اولیای خداوند) خواهد بود؛ کسانی که هیچ نگرانی و غم و اندوهی نخواهند داشت. اما کسی که از دستورات پروردگارش سرپیچی کند و در راستای خشم خداوند سبحان و متعال سعی و تلاش کند، جایگاهی در آسمان‌های ملکوتی نخواهد داشت و جزو زندگان نوشته نخواهد شد بلکه از مردگان به شمار می‌رود و نامش در طومار زندگانی نوشته نمی‌شود و از کسانی خواهد بود که به جهنم وارد می‌شوند و حتی او پاره‌ای از خود جهنم خواهد بود.



[343] - الأعراف: 172.

[344] - اعراف: 172.

[345] - ورد عن علي (ع) أنَّ قوماً أتوه في أمر من أمور الدنيا يسألونه، فتوسلوا إليه فيه بأن قالوا: نحن من شيعتك يا أمير المؤمنين، فنظر إليهم طويلاً، ثم قال: (ما أعرفكم ولا أرى عليكم أثراً مما تقولون، إنما شيعتنا من آمن بالله ورسوله ...) دعائم الاسلام: ج 1 ص 56.

[346] - از علی (ع) روایت شده است که گروهی برای پرسش در موردِ موردی از موارد دنیوی به حضورش رفتند. به او با این سخن متوسل شدند: ما از شیعیان شما هستیم، ای امیر مؤمنان. امام (ع) مدتی طولانی در آنها نگریست و سپس فرمود: «شما را نمی‌شناسم و در شما اثری از آنچه ادعا می‌کنید، نمی‌بینم. شیعیان ما فقط کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌ی او ایمان آوردند...». دعائم الاسلام: ج 1 ص 56.

[347] - راجع علی سبیل المثال: بحار الأنوار: ج 3 ص 279، و ج 5 ص 234. وإلیک هذا المثال: عن الحسين بن نعيم الصحاف قال: سألت الصادق (ع) عن قوله: (فمنکم کافر ومنکم مؤمن)، فقال: (عرف الله ایمانهم بولایتنا وکفرهم بترکها يوم اخذ علیهم الميثاق وهم في عالم الذر وفي صلب آدم (ع)) تفسیر القمی: ج 2 ص 371. وعن زرارة، عن أبي جعفر (ع) قال: سألته عن قول الله عز وجل: (وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذرياتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربکم قالوا بلى) الآية، قال: (أخرج من ظهر آدم، ذريته إلى يوم القيامة، فخرجوا كالذر فعرفهم وأراهم نفسه ولولا ذلك لم يعرف أحد ربه ...). الفصول المهمة للحر العاملي: ج 1 ص 423 ح 5، 7.

[348] - الحشر: 19.

[349] - به عنوان مثال به بحار الانوار: ج 3 ص 279 و ج 5 ص 234 مراجعه کنید: از حسین بن نعيم صحاف روایت شده است: از امام صادق (ع) در مورد این سخن خداوند «فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ» (بعضی از شما کافر و بعضی مؤمن اند) پرسیدم، فرمود: «خداوند در این آیه ایمان آنها را به پذیرفتن ولایت ما معرفی می‌کند و کفر آنها را به ترک این ولایت، که این پذیرفتن و ترک گفتن، در روز گرفتن «ميثاق» بوده است در حالی که آنها در عالم ذر و در صلب آدم بودند». تفسیر قمی: ج 2 ص 371.

[350] - حشر: 19.